فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی
سال بیست و یکم، شماره ۶۷، پاییز ۱۳۹۲، صفحات ۱۹۲- ۱۷۱

رابطه بین بی‌ثباتی اقتصاد کلان و رشد اقتصادی در ایران

محمد دهقان‌منشادی
دانشجوی دکترای اقتصاد دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول)
mohammad_manshadi@yahoo.com

پروین پوررحیم
کارشناس‌ارشد اقتصاد
pourrahim_p@yahoo.com

میزان تولید ناخالص داخلی و نرخ رشد آن از مهم‌ترین شاخص‌های عملکردی اقتصاد کلان است و دستیابی به نرخ رشد اقتصادی بالا یکی از اهداف مهم هر نظام اقتصادی به‌شمار می‌رود. از این رو، بررسی عواملی که بر رشد اقتصادی اثر می‌گذارند از اهمیت خاصی برخوردار است و یکی از مهم‌ترین مباحث مطرح در حوزه اقتصاد کلان است. مرور ادبیات مربوط به رشد اقتصادی حاکی از آن است که یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی، ثبات اقتصاد کلان است به گونه‌ای که امروزه اقتصاددانان پذیرفته‌اند که ثبات اقتصادی شرط لازم برای رشد اقتصادی بالا و مستمر است. در این تحقیق نقش بی‌ثباتی اقتصاد کلان بر رشد اقتصادی ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد. ارزیابی نتایج به‌دست آمده از برآورد مدل به روش خودرگرسیون برداری (VAR) مبتنی بر داده‌های سری زمانی سال‌های (۱۳۸۷- ۱۳۴۶) نشان می‌دهد رابطه بلندمدتی بین شاخص بی‌ثباتی اقتصاد کلان (شاخصی ترکیبی از متغیرهای تورم، کسری بودجه، نرخ ارز و نرخ مبادله) و رشد اقتصادی در ایران وجود دارد، به گونه‌ای که بی‌ثباتی اقتصاد کلان در ایران به‌عنوان مانع جدی برای رشد واقعی و استمرار آن عمل می‌کند، از این رو پایدارسازی اقتصاد کلان گامی مؤثر در راستای دسترسی به نرخ رشد اقتصادی بالا و مستمر در اقتصاد ایران می‌باشد.

طبقه‌بندی JEL: *E0, O11, E63*.

واژه‌های کلیدی: *رشد اقتصادی، بی‌ثباتی اقتصاد کلان، تورم، نرخ ارز، ایران.*

***تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۲/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۸/۱۸**

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-07]

۱. مقدمه

دستیابی به نرخ رشد اقتصادی بالا یکی از اهداف مهم هر نظام اقتصادی به‌شمار می‌رود. این امر متضمن به‌کارگیری سیاست‌های مناسب اقتصادی، ثبات سیاست‌های اقتصادی و همچنین شناخت بیشتر عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی است. امروزه اقتصاددانان پذیرفته‌اند که ثبات اقتصادی یک شرط لازم برای رشد اقتصادی بالاست، در حالی‌که بی‌ثباتی اقتصادی یکی از عوامل مهمی است که افق‌های رشد اقتصادی را محدود می‌سازد.

واژه بی‌ثباتی در ادبیات اقتصادی معادل دو واژه لاتین Instability و Volatility به‌کار رفته است. هرچند برخی محققان تفکیک خاصی بین این دو واژه قائل نیستند، اما از Instability مفهوم وسیعتری را مدنظر دارند. این واژه معمولاً هم تکانه‌های ناشی از شوک‌ها را در بر می‌گیرد و هم تغییرات غیرمتعارف برخی متغیرهای اقتصادی همانند بالا بودن نرخ تورم را شامل می‌شود. در مقالات مختلف، وقوع شوک‌ها و بحران‌های اقتصادی، نوسان‌ها و انحرافات متغیرهای اقتصادی، عدم امنیت اقتصادی و غیره به‌عنوان بی‌ثباتی مطرح شده‌اند (رمضان‌پور، ۱۳۷۹).

از سوی دیگر، در تعریف محیط باثبات اقتصاد کلان چند متغیر اساسی در کانون توجه است و بر آنها تأکید می‌شود. این متغیرهای اساسی که وضعیت آنها میزان بی‌ثباتی یا پیشرفت به سمت ثبات اقتصاد کلان را تعیین و تصریح می‌نماید عبارتند از نرخ تورم، کسری بودجه، نرخ ارز و رابطه مبادله.

در صورتی‌که کسری بودجه در سطح معقولی باشد نرخ تورم کم و قابل پیش‌بینی باشد (نااطمینانی تورم اندک باشد)، نرخ واقعی ارز رقابتی و نزدیک به سطح تعادلی و ترازپرداخت‌ها مناسب رشد و توسعه اقتصادی باشد، محیط اقتصاد کلان شرایط باثباتی خواهد داشت (بانک جهانی، ۱۹۹۳). از میان این عوامل، تورم عامل بسیار مهمی است، به طوری‌که طی چند دهه گذشته تورم به یکی از جدی‌ترین مشکلات اقتصادی کشورها تبدیل شد و موجبات نگرانی عمیق دولتمردان در جهان را فراهم آورد. وجود تورم بالا در هر اقتصادی نشان‌دهنده وجود نارسایی‌هایی در آن اقتصاد است.

بی‌ثباتی اقتصاد کلان موجب نااطمینانی فعالان اقتصادی نسبت به تحولات آینده خواهد شد و در نتیجه آن فعالان اقتصادی نمی‌توانند چشم‌انداز روشن و شفافی از آینده ترسیم نمایند. این امر به‌ویژه بر سرمایه‌گذاری تأثیر منفی خواهد گذارد. از این رو، ثبات اقتصاد کلان از طریق کاهش قابل توجه نااطمینانی و پیشبرد برنامه‌ریزی بلندمدت کمک بسیاری به رشد واقعی اقتصاد می‌نماید.

ثبات اقتصاد کلان پس‌انداز ملی و سرمایه‌گذاری خصوصی را افزایش داده و با تقویت رقابت‌پذیری صادرات ترازپرداخت‌ها را بهبود می‌بخشد. به‌علاوه، ثبات اقتصاد کلان در خصوص جهت‌گیری سیاست‌های اقتصاد کلان و اعتبار مقامات پولی و مالی کشور نزد کارگزاران اقتصادی

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-07]

علائم مهمی را به‌دنبال دارد. به‌طور مشخص، موفقیت تمام برنامه‌های اصلاح ساختار اقتصادی نظیر اصلاحات مالی، سیاست‌های تعدیل، آزادسازی و هدفمند نمودن یارانه‌های انرژی مستلزم وجود ثبات اقتصاد کلان می‌باشد (خلیلی‌عراقی و همکاران، ۱۳۸۰).

ثبات اقتصاد کلان به‌عنوان یکی از عوامل رشد اقتصادی به‌طور مشخص پس از مطالعات فرانکل و خان (۱۹۹۰)، ایسترلی و ربلو (۱۹۹۳) و فیشر (۱۹۹۳) مورد توجه قرار گرفت. بر اساس نتایج این مطالعات کشورهایی که نرخ تورم و کسری بودجه کمتری دارند و همگرایی نرخ مؤثر واقعی ارز آنها به نرخ ارز تعادلی ارز سریع‌تر است نرخ رشد سریع‌تری را تجربه نموده‌اند.

به‌دنبال این مطالعات، بررسی‌های بانک جهانی در سال ۱۹۹۳ پیرامون علل رشد سریع کشورهای جنوب شرق آسیا نیز بیانگر این موضوع بود که ثبات اقتصاد کلان در این کشورها عامل کلیدی در دستیابی به نرخ‌های بالای انباشت سرمایه، تخصیص بهینه منابع و رشد سریع بهره‌وری بوده است. این کشورها زمانی می‌توانند به نرخ‌های بالای رشد اقتصادی دست یابند که نرخ تورم در سطح ارقام یک رقمی و پایین باشد، بودجه دولت به‌خوبی مدیریت می‌شود و ترازپرداخت‌ها نیز با کسری چندانی مواجه نباشد. مطالعات صندوق بین‌المللی پول نیز بیانگر این است که بی‌ثباتی اقتصادی عامل اصلی رکود در اغلب کشورها بوده است. از این رو، پیش‌بینی می‌شود اعمال برنامه‌های پایدارسازی اقتصاد کلان و اصلاحات ساختاری می‌تواند در دستیابی به رشد بالای اقتصادی اثرگذار باشد (حسن‌نوروزی، ۱۳۸۰).

با توجه به اهمیت موضوع ثبات اقتصاد کلان در دستیابی به رشد اقتصادی در این تحقیق به بررسی رابطه بین بی‌ثباتی اقتصاد کلان و رشد اقتصادی در ایران می‌پردازیم. به این منظور، در بخش دوم به بررسی ادبیات تجربی و نظری موجود در این خصوص پرداخته و مکانیزم اثرگذاری بی‌ثباتی اقتصادی بر رشد اقتصادی تشریح می‌گردد. در بخش سوم الگوی اقتصادسنجی و داده‌های مورد استفاده را معرفی نموده و در بخش چهارم به برآورد الگو و آزمون تجربی موضوع می‌پردازیم. در بخش پنجم از نتیجه مباحث مذکور ارائه می‌گردد.

۲. ادبیات نظری و تجربی تحقیق

به‌طور کلی بررسی رابطه بی‌ثباتی اقتصادی و رشد اقتصادی با در نظر گرفتن مفهوم کلی بی‌ثباتی در مطالعات محدودی مورد بررسی قرار گرفته است، از این رو نمی‌توان ابزارهای نظری گسترده و جامعی را برای تبیین این موضوع یافت، اما اجزای بی‌ثباتی اقتصادی نظیر تورم (تغییرات شاخص قیمت)، تغییرات نرخ ارز و شوک‌های بیرونی اقتصاد کلان نظیر تغییرات قیمت نفت در مطالعات بسیاری مورد بررسی قرار گرفته است، از این رو در این بخش از مقاله ابتدا به مطالعات صورت‌گرفته با استفاده از مفهوم

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-07]

کلی بی‌ثباتی اقتصاد کلان پرداخته و در ادامه به بررسی ادبیات موضوع به تفکیک مطالب مرتبط با اجزای بی‌ثباتی اقتصاد کلان پرداخته خواهد شد.

نظام اقتصادی متعادل آن است که ثبات در شرایط اقتصادی را به گونه‌ای به‌وجود آورد که با تغییر سیاست‌های پولی و مالی انتظارات سرمایه‌گذاران و فعالان در یک بازار به‌صورت قابل توجه تغییر نیابد.

ثبات اقتصاد کلان با ایجاد یک محیط امن اقتصادی، پس‌انداز ملی و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی را افزایش داده، ترازپرداخت‌ها را بهبود بخشیده و از طریق کاهش قابل توجه نااطمینانی و پیشبرد برنامه‌ریزی بلندمدت کمک بسیاری به رشد واقعی اقتصادی می‌نماید تا حدی‌که از آن به‌عنوان شرط لازم برای رشد اقتصادی یاد شده است.

سیرمانیتم و تمپل (۲۰۰۹) به بررسی نقش ثبات اقتصاد کلان بر رشد اقتصادی پرداختند. در این مطالعه با تعریف شاخص ترکیبی از متغیرهای تورم، کسری بودجه و نرخ ارز حقیقی تلاش شده است مدل رشد اقتصادی ارزیابی و حد آستانه ثبات اقتصادی در مورد کشورهای در حال توسعه برآورد گردد. نتایج تحقیق حاکی از آن است در کشورهایی که از ثبات بیشتری برخوردارند بازده سرمایه‌گذاری بیشتر، همگرایی سریعتر، کیفیت حکمرانی بالاتر و رشد اقتصادی بیشتر بوده است، بنابراین ثبات اقتصاد کلان شرط لازم برای دستیابی به رشد بالا و مستمر برای کشورهای بی‌ثبات‌تر می‌باشد.

جری، لی و میکیویز (۲۰۰۸) به بررسی نقش ثبات اقتصاد کلان، محیط اقتصادی و سطح حکمرانی بر رشد اقتصادی در کشورهای در حال گذر پرداخته‌اند. نتایج این تحقیق بیانگر آن است که بی‌ثباتی اقتصادی برای دستیابی به رشد اقتصادی نامطلوب است و نهادهای حکمرانی با توجه به آثاری که بر محیط اقتصادی و امنیت اقتصادی دارند برای دستیابی به رشد اقتصادی اهمیت دارند، به نحوی‌که نهادهای مناسب با ایجاد محیط باثبات اقتصادی و ایجاد امنیت اقتصادی اثر مثبت و فزاینده‌ای بر رشد خواهند گذاشت.

خلیلی‌عراقی و رمضان‌پور (۱۳۸۰) برای تبیین آثار محیط بی‌ثبات اقتصاد کلان بر نرخ رشد تولید ناخالص داخلی واقعی سرانه از چهار شاخص برای تصریح یک محیط بی‌ثبات اقتصاد کلان استفاده نمود که عبارتند از نسبت کسری بودجه به تولید ناخالص داخلی، نرخ تورم، تغییرات درصدی نرخ واقعی ارز و انحراف معیار رشد رابطه مبادله. یافته‌های این تحقیق اشاره دارند که بی‌ثباتی اقتصاد کلان در ایران مانع جدی برای رشد واقعی است. ایجاد و حفظ یک محیط باثبات اقتصاد کلان مستلزم تغییرات اساسی در ساختار مالی دولت است، در این راستا مدیریت و سیاست‌های اقتصاد کلان نقش تعیین‌کننده‌ای دارند.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-07]

گرجی و مدنی (۱۳۸۲) به بررسی آثار متقابل سرمایه‌گذاری و رشد تولید ناخالص داخلی با تکیه بر نقش ثبات اقتصادی و عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی پرداختند. نتایج این مطالعه که برای کشور ایران طی دوره (۱۳۷۹-۱۳۴۲) مورد آزمون قرار گرفته مبین این است که شرایط بی‌ثباتی اقتصاد کلان ایران به‌ویژه طی سه دهه آخر موجب کاهش کارایی سرمایه‌گذاری و به‌تبع آن کاهش رشد اقتصادی شده است. همچنین نتایج بیانگر این است که سیاست‌های نامناسب و ناهماهنگ دولت در ایجاد بی‌ثباتی اقتصادی مانعی جدی بر سر راه رشد اقتصادی است.

صامتی و بهنود (۱۳۹۱) به بررسی تأثیر بی‌ثباتی اقتصادی بر توسعه انسانی در کشورهای منتخب آسیا پرداختند. نتایج تحقیق بیانگر آن است که بی‌ثباتی اقتصاد کلان موجب کاهش در توسعه انسانی و به‌تبع آن کاهش در رشد اقتصادی می‌گردد و دولت‌ها می‌بایست بی‌ثباتی اقتصادی را رصد کرده و از سیاست‌های هدفمند و کنترلی به‌منظور کاهش بی‌ثباتی اقتصاد کلان استفاده نمایند.

۲-۱. بی‌ثباتی درآمدهای نفتی و رشد اقتصادی کشورهای نفت‌خیز

نوسان مستمر و بعضاً شدید قیمت نفت در بازارهای جهانی رفتارهای مالی بی‌ثبات و غیرتقارنی را در اقتصاد کشور شکل می‌دهد. این رفتارها ناشی از آن است که در شرایط افزایش قیمت نفت انبساط مالی و تعدیل با قیمت‌های بالا به‌صورت سیاستی و بعضاً خود به خودی محقق می‌شود، در حالی‌که در شرایط افت قیمت نفت نه‌تنها انقباض مالی متناسب محقق نمی‌شود، بلکه این امر نامطلوب تلقی می‌شود و به این دلیل فشار بر بازارهای مالی و بخش خصوصی مضاعف می‌شود.

در اغلب این کشورها نرخ حقیقی ارز به‌واسطه تکانه‌های ایجاد شده نظیر مازاد عرضه پول یا کسری بودجه در کوتاه‌مدت متأثر شده و این امر موجبات انحراف آن از مقدار تعادلی بلندمدت را فراهم می‌آورد، بنابراین وابستگی کشور به درآمد حاصل از فروش نفت از یک سو و طبیعت پرنوسان و غیرقابل پیش‌بینی قیمت نفت از سوی دیگر نشان می‌دهد که بخش قابل ملاحظه‌ای از اقتصاد کلان در معرض تکانه‌های بین‌المللی است. بودجه دولت، تراز بازرگانی خارجی، جریان سرمایه‌گذاری‌های بخش عمومی و نیز دارایی‌های خارجی بانک مرکزی و پایه پولی از مهم‌ترین متغیرهایی هستند که در معرض اثرپذیری از نوسان‌های بازار بین‌المللی نفت قرار دارند، بنابراین درآمدهای نفتی می‌توانند از مسیرهای متفاوتی از جمله مسیر بودجه دولت، میزان حجم پول و نرخ ارز آثار خود را بر متغیرهای کلان اقتصاد به‌ویژه نرخ رشد اقتصادی برجای گذارد.

ابریشمی، مهرآرا و زمان‌زاده (۱۳۸۸) در مطالعه خود به این نتیجه رسیدند که رابطه رشد اقتصادی غیرنفتی ایران و شوک‌های نفتی در کوتاه‌مدت حاکی از واکنش نامتقارن رشد اقتصادی غیرنفتی نسبت

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-07]

به شوک‌های نفتی است، به گونه‌ای‌که شوک‌ها مثبت درآمد نفتی اثر معناداری بر رشد اقتصادی غیرنفتی ایران ندارد، در حالی‌که شوک‌های منفی درآمد نفتی رشد اقتصادی را به‌صورت معناداری کاهش می‌دهد.

۲-۲. بی‌ثباتی سیاست‌های پولی، تورم و رشد اقتصادی

در خصوص رابطه میان بی‌ثباتی سیاست‌های پولی و رشد اقتصادی بیان شده است که افزایش حجم پول گرچه به ایجاد یک دوره رونق مصنوعی و موقتی در اقتصاد می‌انجامد، اما در دوره بعدی به افزایش نرخ تورم از یک سو و ایجاد رکود اقتصادی از سوی دیگر می‌انجامد که این پدیده به رکود تورمی موسوم است. در واقع، رونق اقتصادی اولیه و افزایش تولید با رکود اقتصادی پس از آن و کاهش تولید خنثی شده و تنها آثار تورمی افزایش حجم پول باقی خواهد ماند. به‌علاوه، هر چه اصرار بر افزایش حجم پول برای تداوم رونق مصنوعی بیشتر باشد تورم به‌دست آمده شدیدتر و رکودی که در پی آن خواهد آمد شدیدتر، عمیق‌تر و طولانی‌تر خواهد بود (صادق‌الحسینی، ۱۳۹۱).

نرخ تورم (تغییر در شاخص قیمت‌ها) را می‌توان به‌عنوان مهم‌ترین شاخص بی‌ثباتی سیاست‌های اقتصادی قلمداد نمود. نرخ تورم بالا و نوسان‌های آن هزینه‌های بسیاری را بر اقتصاد کشور تحمیل می‌نماید، به‌ویژه اینکه در نرخ‌های تورم بالاتر نوسان‌های نرخ تورم نیز بیشتر می‌شود. از مهم‌ترین هزینه‌های تورم بالا و بی‌ثبات می‌توان به کاهش نرخ رشد اقتصادی و به‌تبع آن کاهش سطح رفاه عمومی از یک سو و تغییر توزیع درآمد، ثروت و رفاه به زیان اقشار کم‌درآمد جامعه از سوی دیگر اشاره نمود.

تورم بالا و بی‌ثبات موجب اخلال در شناسایی قیمت‌های نسبی توسط فعالان اقتصادی می‌شود؛ چراکه در فرایند تورمی، قیمت تمام کالاها به یک نسبت افزایش نمی‌یابد، در نتیجه فعالان اقتصادی نمی‌توانند تغییرات قیمت‌های نسبی را از تغییرات سطح عمومی قیمت‌ها به‌خوبی تفکیک نمایند. این اخلال در شناسایی قیمت‌های نسبی موجب کاهش قدرت علامت‌دهی قیمت‌ها و اخلال در تخصیص بهینه منابع می‌گردد. البته هرچه نوسان‌های نرخ تورم بیشتر باشد این اخلال در سیستم قیمت‌ها نیز تشدید می‌گردد.

تورم بالا و بی‌ثبات موجب نااطمینانی فعالان اقتصادی نسبت به تحولات آینده خواهد شد و فعالان اقتصادی نمی‌توانند چشم‌انداز روشن و شفافی از آینده ترسیم نمایند. این امر به‌ویژه بر سرمایه‌گذاری تأثیر منفی خواهد گذارد.

صفدری و پورشهابی (۱۳۸۸) در مطالعه خود نشان می‌دهند که با افزایش تورم نااطمینانی تورم افزایش یافته و منجر به کاهش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در اقتصاد ایران شده و این مسئله اثر منفی بلندمدتی بر نرخ رشد اقتصادی کشور داشته است.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-07]

پیرایی و دادور (۱۳۹۰)، تأثیر تورم بر رشد اقتصادی در ایران را بررسی نموده‌اند. نتایج تحقیق حاکی از آن است که تأثیر تورم بر رشد اقتصادی منفی می باشد. همچنین تأثیر نااطمینانی تورم طی دوره مورد مطالعه بر رشد اقتصادی منفی است.

عباسی‌نژاد، گودرزی و مشتری‌دوست (۱۳۹۱) به آزمون اثرات سیاست پولی بر تولید کل پرداخته‌اند. نتایج به‌دست آمده در خصوص شوک‌های مثبت و منفی دلالت بر آن دارد که شوک های منفی آثار به مراتب بیشتر بر کاهش رشد اقتصادی نسبت به شوک‌های مثبت دارد. به‌علاوه، در تمام تصریحات، شوک‌های مثبت پولی پس از یک دوره اثر منفی بر رشد تولید داشته است، به طوری‌که بخش بزرگی از اثر شوک‌های مثبت در دوره بعد خنثی می‌شود. نتایج نشان می‌دهد هر چند سیاستگذار می‌تواند با افزایش غیرمنتظره رشد حجم پول تا حدی رشد اقتصادی را افزایش دهد، اما هنگام کاهش رشد عرضه پول و تورم می‌بایست هزینه به مراتب بیشتری بر حسب کاهش رشد اقتصادی بپردازد.

جوکیپی و مانن (۲۰۱۲) به بررسی رابطه بین ثبات بخش بانکی، رشد اقتصادی و پیش‌بینی رشد اقتصادی در کشورهای توسعه‌یافته پرداخته‌اند. نتایج این مقاله بیانگر آن است که ثبات بخش بانکی محرک مهمی برای رشد اقتصادی است، به گونه‌ای که دوره‌های ثبات با افزایش در نرخ رشد اقتصادی دنبال شده‌اند و بالعکس. همچنین، ثبات بخش بانکی، نااطمینانی نرخ رشد اقتصادی را کاهش داده است.

۲-۳. بی‌ثباتی سیاست‌های مالی و رشد اقتصادی

اثر بی‌ثباتی سیاست‌های مالی (تغییر در مخارج دولت) بر تولید و رشد اقتصادی را می‌توان در دو افق زمانی کوتاه‌مدت و بلندمدت مورد بررسی قرار داد. در بلندمدت نحوه اثرگذاری مخارج دولت بر تولید و رشد اقتصادی متأثر از نحوه تأمین مالی مخارج دولت از یک سو و نحوه تخصیص آن از سوی دیگر است.

در عین حال نحوه تخصیص مخارج دولت نیز عاملی مؤثر در تعیین آثار بلندمدت مخارج دولت بر تولید است. اگر مخارج دولت به جای تخصیص در پروژه‌های عمومی که دارای بازدهی مناسب هستند به اجرای پروژه‌هایی که بخش خصوصی قادر به انجام آن می‌باشد تخصیص یابد می‌توان انتظار داشت که به‌دلیل کارایی کمتر بخش دولتی نسبت به بخش خصوصی افزایش مخارج دولت، تولید و رشد اقتصادی را در بلندمدت تحت تأثیر منفی قرار دهد.

اما در افق زمانی کوتاه‌مدت نوسان‌های مخارج دولت از اهمیت بالایی برای تولید و رشد اقتصادی برخوردار است. از آنجا که مخارج دولت یکی از مهم‌ترین اجزای تقاضای کل اقتصاد است، بنابراین روشن است که بی‌ثباتی مخارج دولت از طریق ایجاد بی‌ثباتی در تقاضای کل به بی‌ثباتی تولید و رشد اقتصادی در کوتاه‌مدت می‌انجامد. زمانی‌که مخارج دولت افزایش می‌یابد، ابتدا از طریق افزایش تقاضای کل

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-07]

به‌صورت مستقیم، تولید و رشد اقتصادی به‌صورت موقتی افزایش می‌یابد، اما در دوره‌های بعدی به مرور آثار برون‌رانی مخارج دولت بر مصرف و سرمایه‌گذاری خصوصی ظاهر شده و اثر افزایش اولیه خنثی می‌گردد. در مقابل کاهش مخارج دولت، ابتدا از طریق کاهش تقاضا، تولید و رشد اقتصادی را کاهش خواهد داد، اما در ادامه با افزایش سرمایه‌گذاری و مصرف بخش خصوصی کاهش تولید تا حدودی جبران خواهد شد، بنابراین مخارج مالی دولت تأثیر مهمی در سرمایه‌گذاری بخش خصوصی دارند، در نتیجه ابزار قدرتمندی برای سیاست‌های رشد و ثبات اقتصادی محسوب می‌شوند (زمان‌زاده، ۱۳۹۱).

محمودزاده و صادقی (۱۳۹۰) به بررسی اثر مخارج مالی (مخارج جاری، سرمایه‌ای دولت و کسری بودجه) بر سرمایه‌گذاری خصوصی در ایران بر اساس فرضیه اثر برون‌رانی پرداخته‌اند. نتایج این تحقیق نشان داده است که افزایش مخارج جاری دولت اثر برون‌رانی و افزایش مخارج سرمایه‌ای و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های اقتصادی اثر درون‌رانی بر سرمایه‌گذاری خصوصی دارد، همچنین بر اساس نتایج پژوهش اثر کسری بودجه بر سرمایه‌گذاری خصوصی در ایران منفی است.

۲-٤. بی‌ثباتی نرخ ارز و رشد اقتصادی

تحولات نرخ ارز و سیاست‌های ارزی از چنان اهمیتی در اقتصاد برخوردار است که اقتصاددانان یکی از دلایل اساسی بروز و تقویت بحران بزرگ ۱۹۳۰ را سیاست‌های ارزی کشورها در آن دوره می‌دانند. نوسان‌های نرخ ارز و تغییرات ارزش پول ملی در مقابل پول‌های خارجی به‌قدری مهم است که سازمان‌های پولی و مالی بین‌المللی به‌ویژه صندوق بین‌المللی پول بر لزوم توجه به این متغیر تأکید کرده و همواره دخالت در بازار ارز را برای کاهش نوسان‌ها توصیه می‌نمایند.

بنابراین نرخ واقعی ارز از جمله عواملی است که انحراف از مقادیر تعادلی و همچنین بی‌ثباتی در آن می‌تواند عملکرد اقتصاد کلان به‌ویژه رشد اقتصادی را تحت تأثیر قرار دهد. تغییر نرخ ارز از مسیرهای متفاوت آثار متضادی را بر تولید باقی می‌گذارد که برایند این آثار بیانگر اثر خالص تغییر نرخ ارز بر تولید است. اثر خالص تغییر نرخ واقعی ارز بر تولید از دو مسیر آشکار می‌شود، یکی از مسیر میزان استفاده از ظرفیت تولیدی موجود اقتصاد و دیگری از مسیر میزان سرمایه‌گذاری و ایجاد ظرفیت‌های تولیدی جدید در اقتصاد. کاهش نرخ واقعی ارز از طریق افزایش قیمت کالاهای صادراتی در بازارهای خارجی و کاهش قیمت کالاهای وارداتی در بازارهای داخلی تقاضای کل اقتصاد را به سمت تقاضا برای کالاها و خدمات خارجی انتقال می‌دهد. در واقع، کاهش نرخ ارز تقاضای کالاهای تولید داخل را چه در بازار داخلی و چه در بازار خارجی کاهش می‌دهد. کاهش تقاضا برای تولیدات داخلی منجر به عدم استفاده کامل از ظرفیت تولیدی موجود خواهد شد، بنابراین تولید داخلی از مسیر کاهش نرخ

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-07]

واقعی ارز و بلااستفاده ماندن بخشی از ظرفیت تولید تحت تأثیر منفی قرار گرفته و تضعیف می‌شود. در مقابل، افزایش نرخ ارز موجب افزایش تقاضای تولیدات داخلی هم در بازار داخلی و هم در بازار خارجی و به‌تبع آن افزایش بهره‌برداری از ظرفیت‌های تولید موجود می‌گردد، در نتیجه اثر مثبت بر میزان تولید و رشد اقتصادی خواهد داشت. علاوه بر استفاده از ظرفیت تولیدی موجود ایجاد ظرفیت‌های جدید از طریق سرمایه‌گذاری نیز یک مسیر مهم در اثرگذاری تغییرات نرخ ارز بر تولید است.

زمان‌زاده (۱۳۹۱) در مطالعه خود بیان می‌دارد که در اقتصاد ایران با وجود اینکه میزان تأثیرپذیری صنایع مختلف از تغییر نرخ ارز متفاوت است، اما به‌نظر می‌رسد در مجموع در کوتاه‌مدت اثر مثبت کاهش نرخ ارز بر اثر منفی آن بر سرمایه‌گذاری غالب باشد، اما در بلندمدت احتمالاً اثر منفی کاهش نرخ ارز غالب خواهد شد. بنابراین در مجموع کاهش نرخ واقعی ارز در کوتاه‌مدت از مسیر کاهش استفاده از ظرفیت‌های موجود بر تولید اثر منفی داشته، اما از مسیر افزایش ایجاد ظرفیت‌های جدید تولید اثر مثبتی را باقی می‌گذارد، اما در بلندمدت کاهش نرخ واقعی ارز هم از مسیر کاهش استفاده از ظرفیت‌های موجود و هم از مسیر کاهش ایجاد ظرفیت‌های جدید تولید موجب تضعیف تولید داخلی و رشد اقتصادی می‌گردد.

حلافی (۱۳۸۶) در تحقیق خود به بررسی رابطه بین بی‌ثباتی نرخ ارز و رشد اقتصادی در اقتصاد ایران پرداخته است. برازش مدل رشد اقتصادی در این مطالعه نشان می‌دهد که بی‌ثباتی و انحراف نرخ واقعی ارز تأثیر منفی بر رشد اقتصاد ایران داشته است.

ختایی و غربالی‌مقدم (۱۳۸۳) به بررسی رابطه پویا میان نرخ ارز و تولید ناخالص داخلی در اقتصاد ایران پرداخته‌اند. بر اساس این تحقیق، برخلاف بسیاری از نظرهای مطرح‌شده در مورد اقتصاد ایران میان نرخ ارز حقیقی و تولیدات کشور رابطه منفی اما ضعیفی برقرار است، به طوری‌که با کاهش ارزش خارجی پول ملی (افزایش نرخ ارز حقیقی) تولیدات کشور افزایش نشان نمی‌دهد. به این ترتیب، افزایش نرخ ارز اسمی نیز تأثیر چندانی در افزایش تولیدات ندارد.

کانتر (۲۰۰۸) به بررسی رابطه بی‌ثباتی نرخ ارز و رشد اقتصادی در کشورهای اروپایی پرداخته است. در این مطالعه تجارت بین‌الملل، جریان سرمایه بین المللی و ثبات اقتصاد کلان به‌عنوان مهم‌ترین مسیرهای اثرگذاری ثبات نرخ ارز بر رشد اقتصادی معرفی شده است. نتایج برآورد مدل رشد اقتصادی به روش داده‌های تابلویی بیانگر رابطه منفی بین بی‌ثباتی نرخ ارز و رشد اقتصادی در این گروه از کشورها بوده است.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-07]

۳. آزمون تجربی رابطه بین بی‌ثباتی اقتصاد کلان و رشد اقتصادی در ایران

۳-۱. معرفی مدل

همانطور که در بخش ادبیات تحقیق مشخص شده است در مطالعات مختلف الگوهای متفاوتی برای بررسی رابطه بی‌ثبانی اقتصاد کلان، اجزای آن و رشد اقتصادی تصریح شده است. خلاصه این مدل‌ها را می‌توان در جدول (۱) پیوست مشاهده نمود.

با توجه به مبانی نظری موضوع الگوهای اقتصادسنجی رشد اقتصادی (منکیو، ۱۹۹۲ و رومر، ۱۹۹۲) و مدل‌های مورد مطالعه در این مقاله برای بررسی کمی رابطه میان بی‌ثباتی اقتصاد کلان و رشد اقتصادی الگوی تلفیقی زیر تصریح می‌گردد:

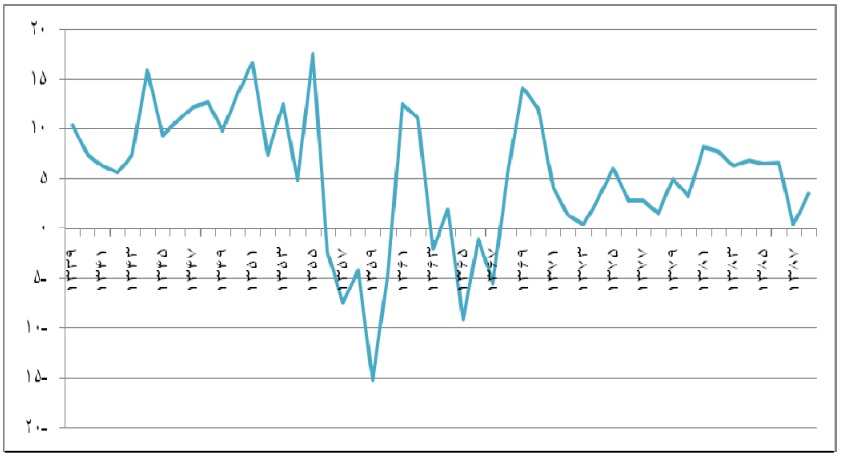
$$\text{نرخ رشد اقتصادی} = \beta_0 + \beta'_1(\text{شاخص بی‌ثباتی اقتصاد کلان}) + \beta'_2(\text{بردار متغیرهای کنترل}) + \varepsilon$$

۳-۲. بررسی متغیرهای مدل

۳-۲-۱. نرخ رشد اقتصادی (G)

در این تحقیق از شاخص‌های نرخ رشد سالانه تولید ناخالص داخلی حقیقی به‌عنوان شاخص رشد اقتصادی استفاده شده است. سری زمانی نرخ رشد اقتصاد ایران در نمودار (۱) نشان داده شده است. از سال ۱۳۳۹ تا اواسط سال ۱۳۵۶ اقتصاد ایران نرخ‌های رشد بالایی را تجربه نموده است. در این دوره نرخ رشد اقتصادی بین ۵ تا ۱۷ درصد در نوسان بوده است. در مجموع، در این دوره ۱۷ ساله میانگین نرخ رشد اقتصادی ایران حدود ۱۰/۵ درصد بوده است که نرخ رشد بسیار مناسبی است. با آغاز شرایط انقلابی در سال ۱۳۵۶ و پس از آن آغاز جنگ نرخ رشد اقتصادی به‌شدت کاهش می‌یابد و میانگین نرخ رشد اقتصادی در این دوره ۲/۳- درصد در سال بوده است. در دوران پس از جنگ نیز نرخ رشد اقتصادی بسیار پرنوسان ظاهر شده و از ۲/۵- تا ۱۶ درصد را تجربه نموده است، اما میانگین نرخ رشد اقتصادی در دوره پس از جنگ تا سال ۱۳۸۸، ۵ درصد بوده است. نرخ رشد اقتصادی در دوره ۸ ساله (۱۳۷۶- ۱۳۶۸) به‌طور میانگین برابر ۵/۵ درصد بوده است. نرخ رشد اقتصادی در دوره ۸ ساله (۱۳۸۴-۱۳۷۶) به‌طور میانگین برابر ۴/۹ درصد بوده است. در دوره پس از ۱۳۸۴ ابتدا نرخ رشد اقتصادی تا ۹ درصد در سال ۸۵ افزایش می‌یابد، اما پس از آن روند نزولی به خود می‌گیرد. در سال ۱۳۸۸ نرخ رشد مجدد افزایش یافته و به ۳/۵ درصد می‌رسد. نرخ رشد اقتصادی در این دوره تا پایان سال ۱۳۸۸ به‌طور میانگین برابر ۵/۱ درصد بوده است.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-07]



مأخذ: بانک مرکزی ج.ا.ایران.

نمودار ۱. سری زمانی نرخ رشد اقتصاد ایران (درصد)

۳-۲-۲. بی‌ثباتی اقتصاد کلان (MII)

سنجش درجه ثبات اقتصادی کشورها از لحاظ تجربی چندان آسان نیست. در این مقاله به تبعیت از مطالعات فیشر (۱۹۹۳)، ایزمیهان (۲۰۰۳)، حقیقی، سامتی و دلالی (۲۰۱۲) و رحمانی، دهقان و پوررحیم (۱۳۹۱) شاخص بی‌ثباتی اقتصاد کلان (MII)[1] به‌صورت زیر تعریف می‌گردد:

MII شاخص بی‌ثباتی است که نماینده‌ای از چهار متغیر نرخ تورم، تغییرات نرخ ارز (نرخ ارز در بازار سیاه)، تغییرات کسری بودجه و تغییرات در نرخ مبادله می‌باشد. چهار شاخص اشاره شده واحدهای یکسانی ندارند و مقادیر متفاوتی به خود می‌گیرند و حداکثر و حداقل‌های متفاوتی دارند، بنابراین امکان جمع کردن یا میانگین‌گیری برای ایجاد شاخص نداریم، بنابراین در مرحله اول چهار زیر شاخص براساس فرمول کلی زیر محاسبه شده‌اند:

$$I_t = \frac{X_t - X_{min}}{X_{max} - X_{min}} \qquad (۱)$$

I_t ارزش شاخص متغیر X که شاخص بی‌ثباتی اقتصاد کلان است درسال t ام می‌باشد. X_t ارزش حقیقی شاخص X در زمان t است و X_{MIN} و X_{MAX} ارزش حداقلی و حداکثری شاخص X طی تمام

1. Macroeconomic Instability Index

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-07]

دوره تحت بررسی است. در حالت اول چهار شاخص هر مقداری اختیار می‌کردند، اما وقتی در چارچوب فرمول قرار گیرند بین صفر و یک تغییر می‌نمایند.

در مرحله دوم MII با میانگین‌گیری از چهار شاخص به‌دست آمده از فرمول فوق به‌دست می‌آید، بنابراین MII نیز مقداری بین صفر و یک می‌پذیرد.

۳-۲-۳. متغیرهای کنترلی

برای افزایش توضیح‌دهندگی مدل به پیروی از مطالعات موجود از دو متغیر نرخ رشد جمعیت فعال (P) و نرخ رشد سالانه تشکیل سرمایه ناخالص ثابت بخش خصوصی و عمومی (I) استفاده شده است.

لازم به ذکر است این مطالعه مبتنی بر داده‌های سری زمانی سال‌های (۱۳۸۷- ۱۳۴۶) برای کشور ایران انجام می‌گیرد. داده‌ها از آمار و اطلاعات بانک مرکزی استخراج شده است.

٤. برآورد الگو

با توجه به مطالب فوق مدل نهایی تحقیق به‌صورت زیر نمایش داده می‌شود:

$$G = \beta_0 + \beta_1(I) + \beta_2(P) + \beta_3(OI) + \beta_4(INF) + \beta_5(E) + \beta_6(D_{57}) + \varepsilon \qquad (۲)$$

با توجه به ماهیت داده‌های سری زمانی و نوع مطالعه برای ارزیابی اثر بی‌ثباتی اقتصاد کلان و نیز سایر متغیرهای معرفی‌شده در ادبیات موضوع در این مطالعه روش خود رگرسیون برداری (VAR) مورد استفاده قرار گرفته است. برای تخمین الگوی موردنظر ابتدا ایستایی متغیرها و انباشتگی آنها آزمون می‌شوند.

٤-۱. آزمون ریشه واحد

در داده‌های سری زمانی پیش از آنکه به تحلیل و تخمین معادلات الگو پرداخته شود می‌بایست آزمون ریشه واحد برای تعیین مانایی سری‌های زمانی متغیرها انجام شود. نتایج معیار دیکی- فولر تعمیم‌یافته نشان می‌دهد تمام متغیرها در سطح داده‌ها مانا هستند.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-07]

جدول ۱. نتایج آزمون ریشه واحد برای متغیرهای مدل بر اساس آماره دیکی- فولر تعمیم‌یافته

متغیر	مقدار آماره در سطح	مقادیر بحرانی در سطح اهمیت ۵ درصد
نرخ رشد اقتصادی	-۳/۶۲	-۲/۹۳
نرخ رشد سرمایه‌گذاری	-۴/۲۹	-۲/۹۳
نرخ رشد جمعیت شاغل	-۲/۹۶	-۲/۹۳
شاخص بی‌ثباتی اقتصاد کلان	-۴/۴۴	-۲/۹۳

مأخذ: نتایج تحقیق.

٤-۲. تعیین وقفه بهینه در الگوی VAR

پس از تشخیص ایستایی متغیرهای مدل نخستین مسئله در مدل‌های خود رگرسیون بـرداری تعیـین طـول وقفه بهینه است. در اینجا برای تعیین طول وقفه از معیار آکائیک (AIC) استفاده شده است. نتـایج نـشان می‌دهد که در مدل موردنظر معیار آکائیک وقفه یک را به‌عنوان وقفه بهینه مدل قرار می‌دهد.

٤-۳. برآورد الگو

از آنجا که وقفه اول برای متغیرهای توضیحی بهترین معیار برای الگوسازی بوده است روابـط و جـدول زیر نتایج تخمین بردار خودرگرسیونی تأثیر بی‌ثباتی اقتصاد کلان و سایر متغیرهای معرفی‌شده بـر رشـد اقتصادی کشور را نشان می‌دهد.

G = C(1,1)*G(-1) + C(1,2)*I(-1) + C(1,3)*P(-1) + C(1,4)*MII(-1) + C(1,5)
I = C(2,1)*G(-1) + C(2,2)*I(-1) + C(2,3)*P(-1) + C(2,4)*MII(-1) + C(2,5)
P = C(3,1)*G(-1) + C(3,2)*I(-1) + C(3,3)*P(-1) + C(3,4)*MII(-1) + C(3,5)
MII = C(4,1)*G(-1) + C(4,2)*I(-1) + C(4,3)*P(-1) + C(4,4)*MII(-1) + C(4,5)

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-07]

جدول ۲. نتایج تخمین بردار خودرگرسیونی

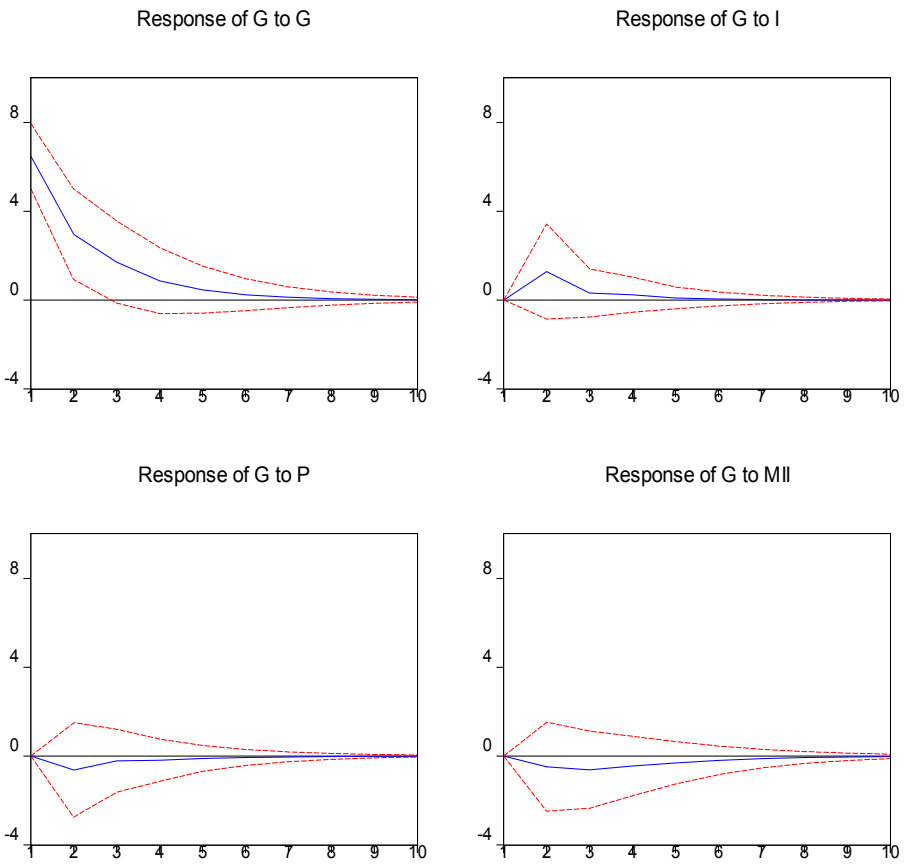
	G	I	P	MII
G(-1)	۰/۲۹۰۹۳۰	۱/۱۱۷۸۳۶	-۰/۰۱۰۳۶۴	-۱/۱۲E-۰۵
آماره t	[۱/۴۵۷۰۷]	[۲/۲۳۲۰۹]	[-۰/۴۴۱۸۱]	[-۰/۰۰۴۳۳]
I(-1)	۰/۱۰۴۸۱۲	۰/۰۳۶۶۶۵	۰/۰۱۰۴۴۳	-۰/۰۰۰۲۰۰
آماره t	[۱/۲۷۳۴۶]	[۰/۱۷۷۶۱]	[۱/۰۷۹۹۷]	[-۰/۱۸۸۵۱]
P(-1)	-۱/۰۴۶۴۳۴	۱/۳۱۹۲۱۶	۰/۲۹۶۳۲۳	۰/۰۱۲۵۴۶
آماره t	[-۰/۷۷۲۹۲]	[۰/۳۸۸۴۹]	[۱/۸۶۲۹۹]	[۰/۷۱۷۳۲]
MII(-1)	-۶/۱۸۲۱۹۸	-۸/۶۶۹۳۷۷	۳/۱۲۱۸۹۲	۰/۳۱۹۲۹۱
آماره t	[-۰/۴۸۴۷۳]	[-۰/۲۷۱۰۱]	[۲/۰۸۳۵۰]	[۱/۹۳۷۸۲]
C	۸/۴۸۰۶۶۵	۱/۲۰۸۲۱۱	۰/۴۴۰۱۳۵	۰/۳۰۲۷۵۱
آماره t	[۱/۱۰۸۲۴]	[۰/۰۶۲۹۵]	[۰/۴۸۹۵۷]	[۳/۰۶۲۴۲]

مأخذ: نتایج تحقیق.

٤-۵. توابع عکس‌العمل آنی (ضربه و واکنش)

از آنجایی که نتایج تخمین مدل خود رگرسیونی برداری قابل تفسیر نیستند صرفاً نتایج ارائه شده‌اند و در ادامه نمودار و جدول توابع عکس‌العمل آنی ارائه شده است که اطلاعات این نمودار و جدول بیانگر آن است که اگر یک تکانه یا تغییر ناگهانی به اندازه یک انحراف معیار در نرخ رشد سرمایه‌گذاری نرخ رشد جمعیت فعال و شاخص بی‌ثباتی اقتصاد کلان کشور ایجاد شود اثر آن بر رشد اقتصادی در دوره‌های بعد چگونه خواهد بود.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-07]



نمودار ۲. توابع عکس‌العمل آنی (ضربه و واکنش)

نمودار فوق سمت چپ نشان می‌دهد تغییر ناگهانی یا تکانه‌ای به اندازه یک انحراف معیار در متغیر شاخص رشد اقتصادی در دوره اول باعث افزایش شاخص رشد اقتصادی به اندازه ۶/۴۷ واحد می‌شود. این اثر در سال دوم موجب افزایش شاخص رشد اقتصادی به اندازه ۲/۹۵ شده است. اثر این تکانه در دوره‌های بعد نیز به این ترتیب تفسیر می‌شود.

نمودار بالا سمت راست نشان می‌دهد تغییر ناگهانی یا تکانه‌ای به اندازه یک انحراف معیار در متغیر شاخص رشد سرمایه‌گذاری در دوره دوم باعث افزایش شاخص رشد اقتصادی به اندازه ۱/۲۸ واحد می‌شود. این اثر در سال سوم موجب افزایش شاخص رشد اقتصادی به اندازه ۰/۳۱شده است. اثر این تکانه در دوره‌های بعد نیز به این ترتیب تفسیر می‌شود. نمودار پایین سمت چپ اثر تکانه وارده بر

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-07]

شاخص رشد اقتصادی از طرف متغیر رشد جمعیت شاغل است، به طوری‌که اگر رشد جمعیت شاغل به اندازه یک انحراف معیار افزایش یابد در دوره اول اثری بر رشد اقتصادی نداشته اما در دوره دوم رشد اقتصادی را به میزان ۰/۶۲ واحد کاهش می‌دهد. در اینجا نیز اثر این تکانه در دوره‌های بعد به این صورت تفسیر می‌شود.

نمودار پایین سمت راست نشان می‌دهد تغییر ناگهانی به اندازه یک انحراف معیار در شاخص بی‌ثباتی اقتصاد کلان در دوره اول اثری بر رشد اقتصادی ندارد. تکانه وارده بر این متغیر در دوره دوم رشد اقتصادی را به اندازه ۰/۴۸ واحد کاهش می‌دهد و به این ترتیب تا پایان دوره می‌توان اثر تکانه این متغیر را بر شاخص رشد اقتصادی تفسیر نمود.

بنابراین با توجه به نمودارهای مربوطه می‌توان دریافت که تقریباً تکانه وارده بر تمام متغیرها بجز تکانه وارده بر متغیر رشد اقتصادی تقریباً از دوره دوم آغاز شده و اثر آن تا پایان دوره به‌تدریج تعدیل می‌شود.

این نکته نیز قابل توجه است که اثر تکانه وارده تمام متغیرها بر رشد اقتصادی تقریباً به‌صورت پایدار تا پایان دوره تعدیل می‌شوند؛ یعنی تعدیل آنها تا پایان دوره همراه با نوسان نیست.

٤-٦. تجزیه واریانس

جدول زیر تجزیه واریانس متغیرهای مدل را با توجه به الگوی برآورد شده نشان می‌دهد. در این جدول، ستون اول که با S.E مشخص شده است خطای پیش‌بینی متغیرهای مربوطه را طی دوره‌های مختلف نشان می‌دهد.

به این دلیل که این خطا در هر سال بر اساس خطای سال قبل محاسبه می‌شود و منبع این خطا تغییر در مقادیر جاری و تکانه‌های آتی است طی زمان افزایش می‌یابد. نتایج جدول نشان می‌دهد خطای پیش‌بینی در دوره اول به اندازه ۶/۴۷ و در دوره دوم ۷/۲۸ بوده و طی زمان افزایش یافته است. ستون‌های بعدی درصد واریانس ناشی از تغییر ناگهانی یا تکانه مشخص را نشان می‌دهد. ستون دوم نشان می‌دهد گرچه در دوره اول ۱۰۰ درصد تغییرات شاخص رشد اقتصادی ناشی از خود متغیر بوده است، اما در دوره دوم تغییرات این شاخص ۹۵ درصد مربوط به شاخص رشد اقتصادی، ۳ درصد مربوط به تکانه رشد سرمایه‌گذاری، ۰/۷۴ درصد مربوط به تکانه رشد جمعیت شاغل، ۰/۴۴درصد مربوط به تکانه شاخص بی‌ثباتی اقتصاد کلان بوده است.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-07]

جدول ۳. نتایج تجزیه واریانس

دوره	S.E	G	I	P	MII
۱	۶/۴۷۹۸۳۳	۱۰۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰۰
۲	۷/۲۸۱۰۵۴	۹۵/۷۱۷۱۳	۳/۰۹۱۷۵۸	۰/۷۴۸۲۰۶	۰/۴۴۲۹۰۷
۳	۷/۵۱۴۷۸۴	۹۵/۰۳۰۲۸	۳/۰۸۰۵۷۵	۰/۷۸۶۱۳۷	۱/۱۰۳۰۱۰
۴	۷/۵۸۴۶۱۹	۹۴/۵۹۷۵۳	۳/۱۲۲۴۵۴	۰/۸۳۸۵۳۹	۱/۴۴۱۴۸۰
۵	۷/۶۰۶۶۶۹	۹۴/۴۲۱۶۹	۳/۱۱۸۴۱۱	۰/۸۵۵۰۷۴	۱/۶۰۴۸۲۴
۶	۷/۶۱۳۵۲۰	۹۴/۳۴۹۶۴	۳/۱۱۶۶۳۳	۰/۸۶۲۴۶۲	۱/۶۷۱۲۶۲
۷	۷/۶۱۵۶۵۸	۹۴/۳۲۲۷۵	۳/۱۱۵۵۳۲	۰/۸۶۵۰۳۲	۱/۶۹۶۶۹۱
۸	۷/۶۱۶۳۱۶	۹۴/۳۱۳۱۵	۳/۱۱۵۱۲۱	۰/۸۶۵۹۴۶	۱/۷۰۵۷۸۱
۹	۷/۶۱۶۵۱۶	۹۴/۳۰۹۸۸	۳/۱۱۴۹۷۵	۰/۸۶۶۲۴۸	۱/۷۰۸۸۹۵
۱۰	۷/۶۱۶۵۷۷	۹۴/۳۰۸۸۱	۳/۱۱۴۹۲۸	۰/۸۶۶۳۴۶	۱/۷۰۹۹۲۱

مأخذ: نتایج تحقیق.

۵. جمع‌بندی و توصیه‌های سیاستی

با در نظر گرفتن این نکته که بسیاری از متغیرها و رفتارهای اقتصادی و حتی غیراقتصادی می‌تواند بر فرایند رشد اقتصادی کشور مؤثر باشد این مقاله به‌دنبال پاسخی برای این پرسش بود که آیا بی‌ثباتی اقتصاد کلان نیز می‌تواند در رشد اقتصادی و پویایی‌های آن در ایران مؤثر باشد؟ در این مقاله تلاش می‌شود با تبیین تئوریک و طراحی یک مدل خودرگرسیونی برداری (VAR) به پرسش فوق پاسخ داده شود به گونه‌ای که تأثیر تجربی این ارتباط مورد تجزیه‌وتحلیل قرار گیرد. نتایج برآورد مدل حاکی از آن بود که تأثیر تکانه وارده بر شاخص بی‌ثباتی اقتصاد کلان بر رشد اقتصادی کشور تقریباً از دوره دوم آغاز شده و اثر آن تا پایان دوره به‌صورت پایدار و بدون نوسان به‌تدریج تعدیل می‌شود.

ایجاد و حفظ یک محیط باثبات اقتصاد کلان مستلزم تغییرات اساسی در ساختار مالی دولت و برقراری اصل مهم انضباط مالی بوده و در این راستا مدیریت و سیاست‌های اقتصاد کلان در چگونگی واکنش نسبت به شوک‌های داخلی و خارجی نقش تعیین‌کننده‌ای دارند. در راستای سیاستگذاری در این حوزه می‌توان پیشنهادات زیر را ارائه نمود:

– بی‌ثباتی نرخ رشد حجم پول علاوه بر بی‌ثباتی نرخ تورم یکی از عوامل عمده بی‌ثباتی نرخ رشد اقتصادی نیز می‌باشد. به عبارت بهتر، بی‌ثباتی پولی نیز یکی از عوامل اصلی ایجاد دوره‌های تجاری و بی‌ثباتی رشد اقتصادی در ایران بوده است، بنابراین کنترل رشد نقدینگی به‌منظور کاهش حرکت نقدینگی به سمت فعالیت‌های سفته‌بازانه و همچنین کاهش تورم و افزایش ثبات اقتصاد کلان بدیهی است.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-07]

– نظام پولی و بانکی به‌دلیل نقش تعیین‌کننده سیاست‌های پولی و اعتباری در جریان تولید و درآمد ملی یکی از مهم‌ترین ابزارهای دخالت دولت در امور اقتصادی محسوب می‌شود؛ به گونه‌ای که ابزار پولی و بانکی در کنار ابزارهای بودجه و برنامه قدرت اقتصادی مهمی در اختیار دولت قرار می‌دهد و می‌تواند کل زندگی اقتصادی جامعه را تحت تأثیر قرار داده و با افزایش ثبات اقتصاد کلان الزامات رشد و توسعه اقتصادی را ایجاد نماید. به عبارت دیگر، نظام بانکی می‌تواند با اتخاذ سیاست‌های مناسب و هماهنگ با اهداف کلان اقتصادی و به‌کار بردن ابزارهای کنترلی دقیق و کارا نقدینگی را به سمت فعالیت‌های مولد اقتصادی هدایت کند و با افزایش ثبات اقتصادی زمینه را برای شکل‌گیری روند سرمایه‌گذاری، اشتغال، تولید و غیره فراهم آورد.

– ساختار بازار ارز کشور سیاست تعیین نرخ ارز بانک مرکزی را دارای دامنه آثار متعددی می‌کند که تصمیم‌گیری در این حوزه بدون هماهنگی با سایر بخش‌های اقتصادی می‌تواند هزینه‌های بسیاری برای اقتصاد به‌همراه داشته باشد. به این دلیل، اتخاذ استراتژی روشن در تعیین ارزش پول ملی که دستیابی به هدف توسعه اقتصادی را تسهیل نماید می‌بایست مبنای تعیین نرخ برابری ریال باشد. نوسان در بازار ارز چه از لحاظ تحلیل تکنیکال (رفتاری) و چه از لحاظ تحلیل متغیرهای بنیادی به‌عنوان شوک اقتصادی مطرح است، از این رو می‌بایست بر اساس مدل‌های نظری و شرایط واقعی اقتصاد نرخ واقعی ارز را تعیین و سیاست‌های رشد اقتصادی را بر مبنای نرخ‌های واقعی تنظیم کرد.

– نوسان در درآمدهای نفتی می‌تواند ارقام پولی را به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم از طریق واکنش‌های مالی به شوک وارده تحت تأثیر قرار دهد و به تورم منجر شود و ساختار تولید و اشتغال و در نهایت رشد اقتصادی کشور را با تهدید مواجه کند، بنابراین برنامه‌ریزی مناسب برای کنترل نحوه استفاده از درآمدهای نفتی متناسب با درآمدهای ارزی ناشی از صادرات نفت می‌تواند از واردشدن شوک به اقتصاد کشور جلوگیری نماید. از این رو در جهت کاهش تأثیر نوسان‌های قیمت نفت بر اقتصاد کشور ضروری است جایگاه صندوق توسعه ملی تقویت شود تا اثر انتقال شوک‌های قیمتی نفت به سیاست پولی و در نهایت قیمت‌ها و نرخ ارز را کم کند.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-07]

منابع

ابریشمی، حمید، مهرآرا، محسن و حمید زمان‌زاده (۱۳۸۸)، "رابطه تکانه‌های نفتی و رشد اقتصادی کشورهای عضو اوپک: آیا این رابطه، نامتقارن است؟"، *مطالعات اقتصاد انرژی*، تابستان.

پیرایی، خسرو و بهاره دادور (۱۳۹۰)، "تاثیر تورم بر رشد اقتصادی در ایران با تأکید بر نااطمینانی"، *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی*، بهار، صص ۸۰-۶۷.

حسن‌نوروزی، علی(۱۳۸۰)، *تأثیر بی‌ثباتی (با تأکید بر تورم) بر رشد اقتصادی در ایران*، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.

حلافی، حمیدرضا (۱۳۸۶)، "نرخ واقعی ارز و رشد اقتصادی ایران"، *مجله تحقیقات اقتصادی*، شماره ۷۹، صص ۸۹-۷۷.

ختایی، محمود و یونس غربالی‌مقدم (۱۳۸۳)، "بررسی رابطه پویا میان نرخ ارز و تولید ناخالص داخلی در اقتصاد ایران"، *دو فصلنامه برنامه و بودجه*، صص ۳-۲۵۰.

خلیلی‌عراقی، منصور و اسماعیل رمضان‌پور (۱۳۸۰)، "اهمیت محیط باثبات اقتصاد کلان"، *مجله تحقیقات اقتصادی*، بهار و تابستان، صص ۲۸-۱.

رحمانی، تیمور، پوررحیم، پروین و محمد دهقان‌منشادی (۱۳۹۱)، "بررسی رابطه بی‌ثباتی سیاست‌های اقتصاد کلان و توزیع درآمد در کشورهای در حال توسعه"، *مجله سیاستگذاری اقتصادی*، زمستان.

زمان‌زاده، حمید و صادق الحسینی (۱۳۹۱)، *اقتصاد ایران در تنگنای توسعه*، نشر مرکز، چاپ اول.

صامتی، مجید و مرجان بهنود (۱۳۹۱)، "تأثیر بی‌ثباتی اقتصادی بر توسعه انسانی در کشورهای منتخب آسیا"، *مجله تحقیقات اقتصادی راه اندیشه*، دوره ۲، شماره ۵، بهار، صص ۶۸-۵۳.

صفدری، مهدی و فرشید پورشهابی (۱۳۸۸)، "اثر نااطمینانی تورم بر رشد اقتصادی ایران (کاربرد مدل‌های EGARCH و VECM (۱۳۸۶-۱۳۵۰)"، *دانش و توسعه*، زمستان، صص ۸۷-۶۵.

عباسی‌نژاد، حسین، گودرزی، یزدان و شیوا مشتری‌دوست (۱۳۹۱)، "آیا نوسانات حجم پول دارای اثرات حقیقی بر حجم پول می‌باشند؟"، *مجله تحقیقات اقتصادی راه اندیشه*، دوره ۲، شماره ۵.

گرجی، ابراهیم و شیما مدنی (۱۳۸۲)، "بررسی نقش ثبات اقتصادی بر عملکرد رشد اقتصادی در ایران با روش سیستم معادلات همزمان"، *فصلنامه پژوهش‌های بازرگانی*، شماره ۲۸، صص ۲۴-۱.

محمودزاده، محمود، صادقی، سمیه و ثریا صادقی (۱۳۹۰)، "اثر مخارج مالی بر سرمایه‌گذاری خصوصی در ایران"، *فصلنامه برنامه‌ریزی و بودجه*، سال ۱۶، شماره ۲، تابستان.

مهرآرا، محسن، دهقان‌منشادی، محمد و پروین پوررحیم (۱۳۸۹)، "نقش صندوق‌های نفتی در کنترل بی‌ثباتی اقتصادی کشورهای نفت‌خیز"، *راهبرد اقتصاد*، شماره ۵۷، زمستان.

Easterly, William & Rebelo Sergio (1993), "Fiscal Policy and Economic Growth: An Empirical Investigation", *Journal of Monetary Economics, Elsevier*, Vol. 32, No. 3.

Fischer, Stanley (1993), "The Role of Macroeconomic Factors in Growth", *Journal of Monetary Economics*, Vol. 32.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-07]

Frenkel, Jacob A. & Mohsin S. Khan (1990), "Adjustment Policies and Economic Development*", American Journal of Agricultural Economics, Proceedings of the ASSA*.

Gerry, Christopher J., Lee, Jong- Kyu & M. Mickiewicz, Tomasz (2008)," Macro Economic Stability, Governance and Growth: Empirical Lesson from the Post-Communist Transition", UCL SSEES Centre for the Study of Economic and Social Change in Europe, Economics Working Paper No. 89, April.

Jokipii, Terhi & Monnin, Pierre (2012), "The Impact of Banking Sector Stability on the Real Economy", *Journal of International Money and Finance*, PP. 1–16.

Ismihan, Mustafa, Aysit Tansel & Kivilcim Metin-Ozcan (2002), "Macroeconomic Instability, Capital Accumulation and Growth: The Case of Turkey (1963-1999)", Economic Research Forum for the Arab Countries, Iran & Turkey, P. 30.

Karnameh, Haghighi, Hassan, Sameti, Majid & Rahim Dallali Isfahani (2012), "The Effect of Macroeconomic Instability on Economic Growth in Iran", *Research in Applied Economics*, Vol. 4, No. 3, PP. 39-61.

Mankiw, N.D., Romer, P. & D. Weil (1992), "A Contribution to the Empirics of Economic Growth", *Quarterly Journal of Economics*, CVII.

Romer, M. (1986), "Increasing Return and Long Run-Term Growth", *Journal of Political Economy*, Vol. 94.

Schnabl, Gunther (2008), "Exchange Rate Volatility and Growth in Small Open Economies at the EMU Periphery", *Economic Systems*, Vol. 32, PP. 70–91.

Sirimaneetham, Vatcharin, Temple & R. W. Jonathan (2009), "Macroeconomic Stability and the Distribution of Growth Rates", World Bank Econ Rev, Vol. 23, No. 3, PP. 443-479.

Word Bank (1993), "The East Asian Miracle", PP. 105-127.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-07]

پیوست

جدول ۱. الگوهای متفاوت بررسی رابطه بی‌ثباتی اقتصاد کلان و رشد اقتصادی

پژوهشگر	متغیر وابسته	متغیرهای بی‌ثباتی	سایر متغیرهای توضیحی	روش تخمین
عباسی‌نژاد، حسین و همکاران(۱۳۹۱)	تولید ناخالص داخلی حقیقی بدون نفت	رشد درآمدهای نفتی، نرخ تورم، مخارج دولت، نرخ ارز، شوک‌های مثبت و منفی پولی	حجم پول	تحلیل هم‌انباشتگی و مدل تصحیح خطا
پیرایی، خسرو و دادور، بهاره(۱۳۹۰)	نرخ رشد سالانه تولید ناخالص داخلی حقیقی بدون نفت	نرخ رشد تورم، شاخص نااطمینانی تورم، نرخ رشد سالانه حجم پول	نرخ رشد سالانه سرمایه ناخالص ثابت حقیقی	GARCH OLS
صفدری و پورشهابی(۱۳۸۸)	لگاریتم طبیعی تولید ناخالص داخلی حقیقی	لگاریتم تورم، نا اطمینانی تورم	لگاریتم مخارج سرمایه‌گذاری بخش خصوصی حقیقی	EGARCH VECM
حلافی(۱۳۸۶)	نرخ رشد سالانه تولید ناخالص داخلی حقیقی	بی‌ثباتی نرخ ارز، نرخ رشد رابطه مبادله	نرخ رشد سرمایه‌گذاری ثابت ناخالص داخلی، نرخ رشد جمعیت	GARCH ARDL
قطمیری، اسلاملوئیان و شیرازی(۱۳۸۵)	لگاریتم تولید ناخالص داخلی	مخارج دولت، سهم منابع مختلف در تأمین مالی مخارج دولت	لگاریتم موجودی سرمایه بخش خصوصی، لگاریتم اشتغال، متغیر مجازی برای سال‌های انقلاب و جنگ	ARDL
گسکری و همکاران (۱۳۸۵)	تولید ناخالص داخلی حقیقی	مخارج حقیقی دولت، بی‌ثباتی صادرات، رابطه مبادله تجاری	سرمایه‌گذاری بخش خصوصی حقیقی، جمعیت فعال، صادرات نفتی	ARDL
گرجی و مدنی (۱۳۸۲)	نرخ رشد تولید ناخالص داخلی	نرخ رشد درآمدهای نفتی، حاشیه نرخ ارز، نسبت حجم پول به تولید ناخالص حساب ذخیره تعهدات ارزی	نرخ ثبت‌نام در متوسطه، نرخ رشد سرمایه‌گذاری واقعی	سیستم معادلات همزمان
رمضان‌پور و خلیلی‌عراقی(۱۳۸۰)	نرخ رشد واقعی تولید ناخالص داخلی سرانه	نرخ تورم، کسری بودجه به صورت درصدی از GDP، تغییرات درصدی در نرخ واقعی ارز، انحراف معیار تغییرات درصدی رابطه مبادله، نرخ رشد صادرات نفت	نرخ رشد جمعیت، نسبت سرمایه خصوصی به GDP، نسبت سرمایه عمومی به GDP، نرخ ثبت نام در مقطع متوسطه(شاخص توسعه انسانی)، اندازه دولت، امنیت اقتصادی	OLS

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-07]

ادامه جدول ۱.

تمپل و همکاران(۲۰۰۹)	نرخ رشد واقعی تولید ناخالص داخلی سرانه	شاخص بی‌ثباتی اقتصادی که به‌صورت ترکیبی از متغیرهای نرخ تورم، کسری بودجه،، نرخ ارز تعریف شده است	نسبت سرمایه به GDP، نرخ رشد جمعیت، میانگین سال‌های تحصیل بزرگ سالان، ریسک، کیفیت حکمرانی	OLS 2SLS حد آستانه
جری، لی و میکیویز (۲۰۰۸)	تغییرات لگاریتم تولید ناخالص داخلی سرانه	نرخ تورم	نرخ رشد جمعیت شاغل، سهم صادرات سوخت به کل صادرات، نرخ ثبت‌نام در مقطع متوسطه، نسبت مجموع صادرات و واردات به تولید ناخالص داخلی به عنوان شاخص آزادی اقتصادی، نسبت سرمایه ثابت ناخالص به تولید ناخالص داخلی	پنل پویا و GMM
ایزمیهان، مصطفی و همکاران (۲۰۰۲)	لگاریتم تولید ناخالص ملی حقیقی	لگاریتم شاخص بی‌ثباتی اقتصادی (ترکیبی از متغیرهای نرخ تورم، کسری بودجه،، نرخ ارز و بدهی خارجی تعریف شده است)	لگاریتم سرمایه ثابت حقیقی بخش خصوصی و عمومی	تحلیل هم‌انباشتگی

مأخذ: نتایج تحقیق.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-07]